

مقدیران ادیب صابر ترمذی مصحح احمد عبدالله

و ترکیبات است. به گونه‌ای که نظمی پریشان دارد. و ضبط‌های مبهم و محرف در این دیوان به چشم می‌خورد.

چاپ دوم در سال ۱۳۴۳ توسط استاد محمدعلی ناصح صورت گرفته است. این تصحیح ظاهراً بدون آگاهی از چاپ قویم و یا بی‌اعتنا به آن براساس نسخه خطی کتابت سال ۷۱۴ هجری قمری انجام شده است. مصحح با در دست داشتن این نسخه همراه با چند نسخه دیگر، دیوانی از این شاعر به خط احمد خوشنویس منتشر کرده است. متن دیوان بر اساس نسخه مذکور، با رعایت رسم الخط قدیمی بدون مراعات ترتیب حروف تهجی است. این تصحیح هم بدون اشکال نیست و موارد بدخوانی و ناخوانی‌ها از روی اصل نسخه در متن دیوان بسیار فراوان است.

به عنوان مثال بین صفحات ۱۰۹-۱۰۲ هشت مورد از ابیات این شاعر با افتادگی و دوازده مورد هم با بدخوانی ضبط شده است. تحریف‌ها و تصحیف‌ها در متن دیوان بسیار زیاد است. بسیاری از ابیات دیوان در اثر اشتباه قلم مصحح و یا قلم کاتب از روی اصل نسخه ساقط شده است

شرف‌الادبا شهاب‌الدین ادیب صابر ترمذی یکی از شعرای قرن پنجم و ششم هجری است. نام و تخلص شعری او صابر و بیشتر به صابر بن اسماعیل مشهور است.

تمامی تذکره‌نویسان او را به روانی گفتار و شیرینی زبان و بلندی طبع ستوده‌اند. **دیوان ادیب صابر** تاکنون دوبار در ایران به چاپ رسیده و یک بار در ترمذ ازبکستان تصحیح شده است.

چاپ اول در سال ۱۳۳۴ هجری توسط علی قویم از طرف کلاله خاور صورت گرفته است. چاپ مذکور بسیار مغلوط و نابسامان است و نمی‌تواند یک نوشته تحقیقی باشد. چرا که در این چاپ، مصحح هیچ اشاره‌ای به نسخه یا نسخه‌ها، زمان کتابت آن و ویژگی نسخ نکرده است. به عبارت دیگر هویت نسخه برای خواننده ناشناخته و مجهول است. از طرفی شیوه تصحیح در این چاپ مشخص نشده است. اینکه مصحح چه نسخه‌ای را بر چه اساسی به عنوان نسخه متن قرار داده و نسخه بدل را از کدام ضبط برگزیده است.

علاوه بر آن متن **دیوان** فاقد دسته‌بندی صحیح قصاید و غزلیات



سطور در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در پاییز ۱۳۸۳ شماره ۳۸ صورت گرفته است.

سومین تصحیح دیوان ادیب صابر در سال ۱۳۸۰ توسط احمد عبدالله اف در شهر ترمد ازبکستان صورت گرفته و از طرف انتشارات بین‌المللی الهدی در ۳۹۴ صفحه به چاپ رسیده است. متن این دیوان به مراتب از متن دیوان چاپ قویم غیرعلمی‌تر و غیرمستندتر است. به دلایل زیر:

۱- مقدمه این چاپ بسیار مختصر و کوتاه است. (تنها در چند صفحه اطلاعاتی محدود راجع به ادیب صابر ارائه شده است).
۲- فهرست اشعار و اعلام ناقص و غیرتحقیقی است (و فهرست لغات و تعبیرات و... ندارد).

۳- مصحح با وجود در دست داشتن نسخه خطی مکتوب به سال ۷۱۴ هجری قمری (که به نام منتخبات دواوین سته معروف است و اصل آن نسخه در کتابخانه ایندیا آفیس (دیوان هند) نگهداری می‌شود و علامه قزوینی از اصل این نسخه عکس برداشته و در کتابخانه ملی ایران

و در بسیاری از موارد دیگر نسخه اساس با نسخه بدل خلط شده و اشتباهات و مواردی از نسخه بدل در متن وارد شده که این موارد به وفور در دیوان دیده می‌شود. این دیوان پس از انتشار در همان سال‌ها دو بار مورد نقد قرار گرفت. یکی توسط استاد همایی و نقد دیگر نیز توسط استاد جمشید سروشیار.

نقد استاد همایی در مجله وحید، سال دوم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۴ از صفحات ۳۹-۳۲ منتشر گردید. دومین نقد این دیوان توسط جمشید سروشیار در مجله راهنمای کتاب، جلد دوازدهم از صفحات ۵۶۱-۵۴۹ منتشر گردید. آخرین نقد این تصحیح توسط نگارنده این

نگهداری می‌شود) به شیوه غیرعلمی نسخه چاپی علی قویم را اساس قرار داده و با نسخ دیگر مقایسه کرده و این بزرگ‌ترین ایراد این متن است.

۴- مصحح در موارد بسیار نسخه بدل را برگزیده و در متن برده در حالی که خود نسخه اساس (قویم) صحیح‌تر بوده است.

۵- اغلاط چاپی و تصحیف‌ها آن قدر در متن زیاد است که به تصریح می‌توان گفت که حتی یک قصیده منقح و بی‌غلط در این دیوان نمی‌توان یافت. مثلاً در ضمن ترکیب‌بندی (ص ۲۸۹) دو صفحه کامل از متن چاپ قویم را انداخته است.

۶- بدخوانی‌ها، ناخوانی‌ها و تحریف‌ها و ضبط‌های مبهم در این چاپ بسیار فراوان است به گونه‌ای که استخراج آن از متن دیوان، خود کتاب جداگانه‌ای خواهد شد.

نگارنده از آنجا که چندسالی است دست در کار تصحیح دیوان این شاعر دارم و نسخه‌های مختلف را از اقدم نسخ تا جدیدترین نسخه‌ها از نظر گذرانده‌ام، پس از مقابله دیوان مصحح احمد عبدالله با نسخه‌های خطی خود به موارد فراوانی از این تصحیف و تحریف‌ها برخورد کردم که در اینجا برای روشن شدن مطلب و تبیین مطالب فوق به چند مورد

هست انیس کریم ور شناسی

زود بخوان باژگونه میرک سینا

- ص ۲۱ بیت ششم:

زمانه را در و درگاه ز صدر او گشته است

یکی پناه و دوم مقصد و سوم بختاً

کلمه «بختاً» بی‌ارتباط و نامناسب بوده و صورت صحیح آن «ملجاً» است.

- ص ۲۸ بیت چهاردهم:

ظفر باغبان را در رکاب تو باشد

هزار آفرین آن رکاب و عنان را

مصراع اول به کلی مغلوط و ناموزن است. صحیح مصراع براساس

اقدم نسخ این چنین است «ظفر با عنان و رکاب تو باشد».

- ص ۲۹ بیت هشتم:

همیشه جفت غریوم که باز نتوان داشت

غریب را ز غریو و غراب را ز نصیب

کلمه «نصیب» با مفهوم بیت سازگاری ندارد و صحیح آن

طبق نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ «نعیب» به معنی بانگ کلاغ

از این تحریف‌ها اشاره می‌کنم:

- ص ۱۷ بیت چهارم:

باد چون ز ایران سیستان تاخت

انگه از بوی خوش گرفت نوا

مصراع اول به همین صورت در دیوان چاپی احمد عبدالله مضبوط

است و به کلی مغلوط است و صورت صحیح مصراع طبق نسخه مکتوب

به سال ۷۱۴ که در دسترس مصحح نیز بوده چنین است: «باد چون ز ایران

به بستان تاخت».

- ص ۱۸ بیت نهم:

گرچه سیصد چو میرک سیناست

اوست مطلوب میرک سینا

به جای «مطلوب» در مصراع دوم، در نسخه مکتوب به سال ۷۱۴

«مقلوب» است که همان صحیح است. و مقلوب میرک سینا، انیس کریم

است و بیت اشاره دارد به قطعه‌ای از میرعلی پورتکین به این صورت:

میرک سینا لطیف و چابک و برنا

هرچه بگویم از او خوش آید و زیبا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

است.

- ص ۳۰ بیت سیزدهم:

چو معن زایده جود تو را نداد و کیل

چو فُس ساعده مدح تو را نداد خطیب

به جای «نداد» در هر دو مصراع، «هزار» صحیح است.

- ص ۳۶ بیت ششم:

ز شرم گوی زخندانت بر سپهر کبود

تپان شدند کواکب چو گوی در تب تاب

«تب تاب» نامناسب و صحیح آن براساس نسخه مکتوب به سال

۷۱۴ «طبطاب» به معنی چوگان است.

- ص ۳۷ بیت دوازدهم:

فراست حکما و فصاحت بلغا

لیاقت شعرا و لطافت کُتاب

براساس اقدم نسخ، لیاقت، مغلوط و «لباقت» به معنی زیرکی و

مهارت صحیح است.

- ص ۴۵ بیت پنجم:

نام عدوت نیست سزاوار آفرین

شایسته کلاه نباشد سر گلاب

مصراع دوم نامناسب و صورت صحیح آن طبق نسخ در دست نگارنده چنین است «شایسته گلاب نباشد سر کلاب».

- ص ۴۷ بیت بیست و یکم:
کلام تو دارد صنوف بدایع

ز کل تو بارد فنون غرایب

«کل» در مصراع دوم با مفهوم بیت ناسازگار و صحیح آن براساس تمامی نسخ «کلک» است.

- ص ۴۸ بیست ششم:

عدوی تو را بیش بینم مذلت

از آن تب که نالد علیه الثعالب

مصراع دوم به کلی غلط و صحیح آن چنین است «از آن بُت که بالّت علیه الثعالب» و بیت اشاره دارد به بیت:

أَرَبُ يَبُولُ الثَّعْلَبَانَ بِرَأْسِهِ

لَقَدْ ذَلَّ مَنْ بَالَتْ عَلَيْهِ الثَّعَالِبُ

- ص ۷۱ بیت نهم:

صحیح است .

- ص ۹۰ بیت هجدهم:

ز سُم فخر بی کردار و بی گفتار او نبود

علوم شرع بی آیات و بی اخبار کی باشد

به جای کلمه مغلوط و نامناسب «ز سُم» ، در تمامی نسخ ، رسوم آمده است .

- ص ۹۶ بیت نوزدهم:

این اختران اگرچه به تقدیر حق زمن

وقت حقوق من همه تأخیر کرده‌اند

مصراع اول مبهم و صورت صحیح آن چنین است «این اختران

اگرچه به تقدیم حق ترم» .

- ص ۱۳۰ بیت پانزدهم:

غیر یک ماه تا به یازده ماه

با درود و می نشاط و گراز

در مصراع اول به جای غیر ، جبر و مصراع دوم نامناسب و صحیح

آن چنین است «ما و رود و می و نشاط و گراز» .

- ص ۱۳۱ بیت هفتم:

اکرام اوست خسته افلاک را شعا

انعام اوست بسته ایام را نجات

کلمه «شعا» بی ارتباط و طبق نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ «شفا» صحیح است .

- ص ۷۱ بیت دوازدهم:

گلشن به رنگ زر شد و نشگفت اگر شده است

از بس که داد زایر او را به زر برات

کلمه «گلشن» بی ارتباط و نامناسب و صحیح «کلکش» است .

- ص ۷۲ بیت هجدهم:

رواق دولت او نیست خالی از مهمان

فراق حشمت او نیست فارغ از معراج

«فراقی» در مصراع دوم نامناسب و صورت صحیح آن «بُراق» است .

- ص ۸۱ بیت یازدهم:

عناست عشق و مرا عشق اوست راحت جان

عجب کنم که مرا راحت از عنا باشد

نسخه بدل متن به جای «کنم» در مصراع دوم «کَسَم» بود که

سبز گشت از سخاش کلک امید

سیر گشت از عطاش معدة آز

«کلک امید» نامناسب و به جای آن در اقدم نسخ «کِشت امید» آمده است که مصحح این ضبط را نپذیرفته است .

- ص ۱۳۵ بیت ششم:

هرگز ندیده‌اند حزین تو بی قرین

در قرن‌ها کواکب چرخ از قران خویش

در مصراع اول ، «حزین» نامناسب و «قرین» صحیح است .

- ص ۱۴۹ بیت دوازدهم:

از حادثه دهر پناهی است مبارک

وز نکبت ایام حصاری است ممتع

کلمه «ممتع» بی ارتباط و «ممتع» صحیح است .

- ص ۱۴۹ بیت هفدهم:

مدحت چه کند آنکه دنی باشد و ممسک

شانه چه کند آنکه خصی باشد و افزع

کلمه «افزع» در مصراع دوم نامناسب و صورت صحیح آن «اقرع»

به معنی کچل است .

- ص ۱۸۶ بیت هفتم:

بقای او چو ز بهر بقای ما سبب است

بدان سبب عرب از بهر ما نهادش نام

مصراع دوم به این صورت نامناسب است . بیت در لغز آب است و

صورت صحیح مصراع دوم چنین است «بدان سبب عرب از لفظ ما نهادش نام» .

- ص ۱۸۶ بیت چهاردهم:

به کربلا دودمان حسین از او بخشید

همی دهند زبان ها یزید را دشنام

از مصراع اول مفهومی استنباط نمی شود . بیت در لغز آب است . و

طبق نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ «به کربلا چو دهان حسین از او نچشید» صحیح است .

- ص ۱۸۷ بیت نهم:

گه شرف قدمش را مساحت گردون

گه هنر قلمش را صراحت صمصام

به جای «مساحت» در مصراع اول «مثابت» و به جای «صراحت»

در مصراع دوم «صرامت» به معنی برندگی صحیح است .

- ص ۱۸۷ بیت سیزدهم:

کفش کریم و در اکرام او فراء عمود

دلش طیب و در انعام او شفای سقام

از مصراع اول مفهومی استنباط نمی شود . صورت صحیح مصراع

چنین است «کفش کریم و در اکرام او وفای عهود» .

- ص ۱۹۸ بیت ششم:

عالم چه باشد از نبود چون تویی در او

بت چیست گر بلو نبود رغبت ثمن

«ثمن» به کلی نامفهوم و «ثمن» صحیح است .

- ص ۲۰۹ بیت هشتم:

شراب در کف و گل پیش روی اوست رفیق

شراب وصل شده درد هجر را درمان

صحیح مصراع اول طبق نسخه نگارنده چنین است «شراب در کف

و گل پیش روی و دوست رفیق» .

- ص ۲۴۰ بیت هفتم:

نه جز متابعت اوست شرع را ز جفت

نه جز موافقت اوست عقل را فتوی

«ز جفت» چه معنی می تواند داشته باشد . بر اساس تمامی نسخ

«شرع را رخصت» صحیح است .

- ص ۲۴۰ بیت هفدهم:

اگر مبشر وحدت زبان عیسی بود

در این زمانه تویی زهد و علم را عیسی

مصحح «مبشر جدت» را از نسخه چاپی قویم نپذیرفته و نسخه بدل

یعنی «مبشر وحدت» را در متن آورده اند که به کلی نامفهوم است .

- ص ۲۴۳ بیت چهاردهم:

گر این است دل در کف دلبری

بباید به کام دل از دل بری

این بیت به این صورت نامفهوم در چاپ احمد عبدالله آمده است .

صحیح بیت چنین است:

کرا نیست دل در کف دلبری

نیاید به کام دل از دل بری

- ص ۲۴۵ بیت دوازدهم:

بود در صف عاد بدخواه او

از او هر سری را یکی صرصری

بیت در وصف کلک ممدوح است و صورت صحیح مصراع دوم چنین

است «از او هر صربروی یکی صرصری» و مناسب آن واضح است .

- ص ۲۴۶ بیت چهاردهم:

ولیکن سرشکی که حاصل بود

سوی من به از وعده شگری

کلمه «سرشک» با مفهوم بیت مناسبتی ندارد و طبق نسخه نگارنده

«شرنگ» صحیح است .

- ص ۲۵۴ بیت هفدهم:

روز مضاف در صف اعدا ثبات او

نفس ثبات آدم و حوا کند همی

به جای «نفس» در مصراع دوم ، «نفی» صحیح است .

- ص ۲۵۵ بیت یازدهم:

بیننده ای و راه چو بینا رود همی

داننده ای و کار چو دانا کند همی

این بیت به همین صورت در دیوان چاپ احمد عبدالله مضبوط است .

بیت در وصف کلک ممدوح و صحیح آن چنین است:

بیننده نی و راه چو بینا رود همی

داننده نی و کار چو دانا کند همی

- ص ۲۵۵ بیت سیزدهم:

رسم عطا کهن شده بود اندر این جهان

او را متابعت تو مطراً کند همی

کلمه «متابع» نامناسب و «متابع» به معنی بخشش ها صحیح است .

- ص ۲۵۹ بیت دهم:

چو تیغ روز مضاف و چو میخ وقت بهار

ز بهر مصلحت دین و ملک دروایی

«دروایی» در مصراع دوم نامناسب و طبق نسخ در دسترس نگارنده

«دربایی» از دریاستن صحیح است .

- ص ۲۹۵ بیت دوازدهم:

تا در طریق مدح تو ثابت قدم شدم

ایمن شدم که مالیه با من رفیق شد

«مالیه» در مصراع دوم به کلی بی ارتباط و نامفهوم است و

صحیح آن «تابعه» است و تابعه جنتی است که به شعرا تلقین شعر

می کند .

- ص ۲۹۵ بیت چهاردهم:

بر عشق خویش رق تو را کردم اختیار

تا بیت من به حرمت بیت العتیق شد

به جای «عشق» در مصراع اول «عتق» مقابل رق صحیح است .

- ص ۲۹۵ بیت بیست و دوم:

در ملک شه چو کلک کفایت کف تو راست

آن کن به اهل ظلم که شه با غری کند
«غری» در مصراع دوم نامناسب به معنی گوساله است. صحیح
«غری» است و آن اصطلاحی است در شطرنج شبیه شهمات.

- ص ۳۰۴ بیت نهم:

در دهانش طعنه همی بر صدف زند

خوبی همی به صورت خویش خلف زند

ترکیب «خلف زند» در مصراع دوم نامناسب و صورت صحیح «صلف

دارد و آن بیت این است:

بر صدر تو به لفظ دقیقی کم فساد

از قدر تو فزون تر و بیش از توان خویش

و صحیح بیت چنین است:

بر صدر تو به لفظ دقیقی کنم نثار

از قدر تو فروتر و بیش از توان خویش



زند» است و صلف از تصلف به معنی لاف زدن است.

- ص ۳۲۰ بیت دوم:

لطف دقیقی یافت مزاج می لطیف

آب عقیق برد رخ آبدار گل

به جای کلمه نامناسب «دقیق» در مصراع اول «ر حیق» صحیح است.

- ص ۳۲۶ بیت یازدهم:

زهره نه‌ای چونکه جفا پیشه‌ای

چرخ نه‌ای چونکه ستمکاره‌ای

به جای «زهره» در مصراع اول «دهر» صحیح است.

- ص ۳۴۵ بیت ششم:

چه خورشیدی کز او چون خورد مجلس

تو گویی نعمت جمشید دارد

به جای «مجلس» در مصراع اول «مفلس» صحیح است.

- ص ۳۶۴ بیت سیزدهم:

افتادن دندان تو ای بدر منیر

داده‌ست دو گلبرگ تو را رنگ ضریر

کلمه «ضریر» در مصراع دوم بی‌ارتباط و صحیح آن «زریر» است.

اغلاط و ناخوانی‌ها و بدخوانی‌ها این دیوان به موارد مذکور خلاصه

نمی‌شود و چنانکه اشاره گردید ذکر همه آنها خود کتابی جداگانه خواهد

شد. روی جلد کتاب، شعری از ادیب صابر آمده که خود دو غلط فاحش

پانوشته:

* عضو هیأت علمی دانشگاه دهقان.

منابع:

۱- سروشیار، جمشید. نقد دیوان ادیب صابر ترمذی چاپ استاد ناصح. مجله راهنمای کتاب، سال دوازدهم.

۲- عبدالله اف، احمد. دیوان ادیب صابر ترمذی. انتشارات بین‌المللی الهدی. سال ۱۳۸۰.

۳- قویم، علی. دیوان ادیب صابر ترمذی، کلاله خاور، چاپخانه خاور. تهران. سال ۱۳۴۴.

۴- ناصح، محمدعلی. دیوان ادیب صابر ترمذی، چاپ اول. مؤسسه مطبوعات علمی، سال ۱۳۴۳.

۵- نفیسی، سعید. خطابه ادیب صابر ترمذی. مجله ارمنان. آثار انجمن ادبی ایران. سال چهارم.

۶- همایی، جلال‌الدین. نقد دیوان ادیب صابر طبع ناصح. مجله وحید. سال دوم. شماره پنجم. اردیبهشت ۱۳۴۴.

۷- یلمه‌ها، احمدرضا. ضرورت تصحیح مجدد دیوان ادیب صابر ترمذی. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان دوره دوم. شماره ۲۸. سال ۱۳۸۳.